



نقد نگارشی

جمع شرط شروط اطلاق

مستشرق ایرانی

به نظر می‌رسد تا هنگامی که انشای رأی به مرزهای سلامت ادبی نرسیده باشد، در کنار آن نظم هم حضور داشته باشد. اما در همین حال آرزو می‌کنیم که آهسته آهسته نقد فراچیده شود تا آنجا که منحصر به تذکری کوتاه گردد. اکنون به رأی زیر که بیش از یک ماه از انشای آن نمی‌گذرد نگاه کنید تا آن گاه سخن خود را بی‌گیریم:

رأی دادگاه

در خصوص دعوی خواهان «م» عباس نیا فرزند «ع» بطرفیت «الف» فرزند «ن» بخواسته صدور طلاق بلحاظ عدول زوج از شرایط ضمن العقد مندرج در سند نکاحیه رسمی شماره ۰۲۶۷۶۷-۱۳/۴/۸۳ خواهان اظهار نموده شوهرم مدتی است که خانه و زندگی را رها نموده و از زمان تولد فرزندم که به سن ۳ سالگی رسیده او خانه را رها نموده است و دیگر هیچگونه خبری و اطلاع از او ندارم و در این مدت مرا با فرزندم بدون خرج و نفقه رها کرده است و در حال حاضر فرزندم بدون شناسنامه می‌باشد و من با این شرایط بسیار ناراحت می‌باشم و تقاضای صدور طلاق دارم محکمه در اجرای ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب را از طریق جرائد به خواننده اعلام نموده تا در جلسه رسیدگی حاضر شود لیکن با توجه به عدم حضور خواننده و عدم دفاع و با عنایت به استشهاد محلی که اعضاء شورا آنرا تأیید نموده است از خواننده اطلاع ندارند و نمی‌دانند در کجا سکونت دارد و آیا زنده است یا مرده از طرفی خواهان در نهایت عسر و حرج بسر می‌برد و نامبرده از شرایط سند نکاحیه تخلف نموده و بند ۱ و ۸ سند نکاحیه را رعایت ننموده لذا دادگاه دعوی خواهان را محرز دانسته و با استناد مواد ۱۱۱۹ و ۱۱۱۳۰ قانون مدنی حکم طلاق را صادر و اعلام می‌نماید و به خواهان اجازه می‌دهد به وکالت با حق توکیل غیر از طرف زوج و بذل مبلغ پنجاه هزار ریال از مهریه و قبول بذل آن از طرف زوج نسبت به ثبت و اجرای صیغه طلاق با مراجعه به یکی از دفاتر رسمی طلاق اقدام نماید رأی صادره غیابی و ظرف بیست روز قابل واخواهی در این دادگاه می‌باشد.

رئیس شعبه دوم دادگاه حقوقی . . .

ملاحظه می‌فرمایید که متأسفانه دامنه کاستیهای نگارشی رأی، نه تنها محدود شده است که به نسبت دیگر آراء گسترش نیز یافته است چرا که:

- ۱- جمع بین سمت اصحاب دعوا و مشخصات آنها در وصفی که کادر رأی، جدولی و سنتی هم باشد کاری زاید و بیهوده و خالی از لطف است، می‌خواهم بگویم، وقتی می‌نویسیم دعوی فلان علیه بهمان، دیگر لازم نیست وی را تأکیداً به سمت خواهان هم موصوف سازیم و بنویسیم دعوی خواهان معصومه به طرفیت خواننده ابوالفضل بلکه باید نوشت دعوی معصومه علیه «الف» و در دنباله رأی به همان سمت باید اکتفا کرد و نوشت، دلیل خواهان . . . و دفاع خواننده . . . و الی آخر.
 - ۲- خواسته خواهان به گونه‌یی که در متن رأی آمده است صدور اطلاق نیست زیرا طلاق صادر شدنی نیست و چیزی که صادر می‌شود یا دادگاه می‌تواند آن را صادر کند حکم طلاق است نه خود طلاق، پس باید نوشته می‌شد «به خواسته صدور حکم به طلاق . . .»
 - ۳- در جمله «عدول زوج از شرایط ضمن العقد مندرج در سند نکاحیه» نیز عیبهایی دیده می‌شود: الف - عدول از شرط با اثبات شرط دو امر جداگانه است بدین معنا که ثابت شدن شرطی ملازمه به عدول از آن ندارد بویژه که اعلام شده است از زوج حدود سه سال است که خبری به دست نیامده است، در این مقوله استفاده از کلمه اثبات بر عدول البته که برتری دارد. ب- جمع شرط در مفهوم مورد نظر دادگاه، شروط است و نه شرائط و کسانی که از شرایط به جای شروط استفاده می‌کنند لابد به مسامحه یا به مجاز یا به تشابه استفاده می‌کنند، پس همان بهتر که از جمع اصلی مفرد استفاده شود. ج- ترجیح دادن ترکیب عربی و تقییل ضمن العقد بر ضمن عقد قابل دفاع نیست.
 - ۴- در جمله «خواهان اظهار نموده شوهرم» دو اشکال وجود دارد، نخست این که اظهار نمودن به جای اظهار داشتن یا اظهار کردن، خالی از فصاحت است و دو دیگر آراء مؤدبانه‌تر و درست‌تر این است که در نقل
- سخن از دیگران صیغه اول شخص به سوم شخص تغییر یابد تا رئیس دادگاه مجبور نباشد که بنویسد «شوهرم . . .» پس بهتر بود نوشته می‌شد خواهان گفته است یا اعلام داشته است که شوهرش مدتی است . . .
- ۵- در جمله «هیچگونه خبری و اطلاع از او ندارم . . .» نیز دو اشکال وجود دارد یکی این که کلمه هیچ از گونه جدا نوشته می‌شود و دوم این که برای حفظ انسجام عبارت وقتی خبر به حرف ی نسبت و نکره و وحدت اضافه می‌شود، اطلاع هم باید اضافه شود یعنی باید نوشته می‌شد: هیچ گونه خبری و اطلاعی از او ندارد . . .
- ۶- در جمله «اعضاء شورا آنرا تأیید نموده است» ضمن وجود چند اشکال نگارشی و رعایت نکردن رسم الخط که به موقع مورد اشاره قرار خواهد گرفت» به لحاظ برابر نبودن فعل و فاعل ایراد دستوری دیده می‌شود.
- ۷- استفاده از ریختهای گوناگون می‌باشد و می‌باشم به جای است و هستم اگر هم با رواج همگانی همراه باشد ادبی نیست، می‌خواهم بگویم نمی‌توان به جای جمله هوا گرم است، نوشت که هوا گرم می‌باشد و نیز نمی‌توان به جای «فرزندم بدون شناسنامه است» نوشت که: فرزندم بدون شناسنامه می‌باشد . . .».
- به عبارت دیگر باش و می‌باشد در برقرار کردن رابطه اسنادی ندارد.
- ۸- از نظر آیین نگارش و رعایت رسم الخط، در واژه‌ها و ترکیبهای زیر ایراد وجود دارد: دعوی - بطرفیت - بخواسته - بلحاظ - رها نموده - میباشد - آیین - جرائد - اعضاء - آنرا - بسر - تخلف نموده - رعایت نموده - محرز دانسته - بااستناد - اعلام می‌نماید - مهریه - رأی صادره .
- و پیداست که همچنان ایراد و اشکالهای دیگری هم بر متن وارد است که می‌توان آنها را نادیده انگاشت.